



شاید آن روز، همین فردا باشد. با فهم این ویژگیها درخواهیم یافت که پای رفتن این راه را داریم یا خیر؟ و آیا در آن روز موعود و در هنگامه نبرد حق با باطل در کدامین جبهه قرار خواهیم گرفت؟

با گذری در بوستان کسلام معصومان علیهم السلام این ویژگیها به خوبی فرا روی ما قرار خواهد گرفت. پس قدم در این گلستان پرگل می نهیم و از گلهای عطر آگین آن مشام اندیشه را به پرواز در می آوریم.

پاره‌ای از ویژگیهای یاران آن موعود امتها از این قرار است:

تحقق انقلاب عظیم حضرت مهدی علیه السلام به عنوان بزرگ‌ترین تحولی است که بشر در حیات خود خواهد دید. این واقعه بزرگ برپایه‌هایی استوار است که از مهم‌ترین آنها فراهم آمدن یاران، همراهان و هم‌زمانی است که تا پای جان برای اجرای اهداف آن حضرت از پای ننشینند.

بازشناسی این عوامل ما را به شناخت آن حکومت سترگ نزدیک‌تر خواهد کرد. آنگاه خویشتن را با آن شرایط و ویژگیها محک خواهیم زد و از خود خواهیم پرسید: آیا ما خود را برای آن روزگار آماده ساخته‌ایم؟

۱. شناخت پروردگار

خداوند متعال فلسفه اساسی آفرینش انسانها را عبادت و بندگی معرفی فرموده است. در آنجا که می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَهُ﴾^۱ «جن و انس را جز برای اینکه عبادت کنند خلق نکردم.»

این مهم، زمانی حاصل می گردد که شناخت نسبت به آن ذات مقدس فراهم آید. پس از شناخت خداوند است که راه رشد، هموار و موانع برطرف می شود.

یاران امام مهدی علیه السلام از جمله کسانی هستند که خداوند را آن گونه که شایسته است می شناسند. حضرت علی علیه السلام این شناخت و الای خداوند را در ایشان این گونه وصف فرموده است:

«رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۲ مردانی مؤمن که خدا را چنان که شایسته است شناخته اند و آنان، یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمانند.»

امام صادق علیه السلام ششمین ستاره فروزان سپهر ولایت، قلبهای آنان را

بسان پولاد دانسته می فرماید:

«... رِجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبْرَ الْحَدِيدِ لَا يَشْوِبُهَا شَيْءٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ...»^۳
 آنان مردانی اند که دلهایشان گویا پاره های آهن است. هیچ تردیدی نسبت به خداوند قلبهایشان را نیالاید و [قلبهایشان] از سنگ استوارتر است.»

۲. شناخت امام زمان علیه السلام

اگرچه شناخت امام در هر زمان بر پیروان لازم و ضروری است، ولی آنچه که شناخت رهبر آخرین را از اهمیتی دوچندان برخوردار می سازد، شرایط ویژه او است. ولادت پنهان، زیست پنهان، امتحانات سخت و دشوار، برخی از این ویژگیهاست.

یاران امام مهدی علیه السلام امام خویش را به بهترین وجه می شناسند و این شناخت آگاهانه در تمامی وجودشان رسوخ کرده است؛ بنابراین یار او شدن بدون شناخت آن بزرگوار امکان پذیر

۱. ذاریات/۵۶.

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۵۷، ص ۲۲۹.

۳. پیشین، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

و ائمه اطهار علیهم السلام را زیارت می کردند، ولی بهره معرفتی چندانی از آن اسوه های آفرینش نبردند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا يَلُحُّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لُؤَائِهِ»^۱ هر آن کس که امامش را شناخت و قبل از قیام صاحب این امر (امام زمان علیه السلام) از دنیا رفت، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت، خدمتگزاری خواهد کرد؛ نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.»

بنابراین اگرچه شوق دیدار آن حضرت و سعادت دیدنش از اهمیت بسیاری برخوردار است ولی از آن مهم تر شناخت و معرفت ایشان است که حاصل آن، ارتباط روحی و سنخیت با آن امام همام است. به یقین اگر کسی به وظیفه و تکلیفی که خداوند متعال برایش تعیین فرموده عمل کند، خود

نخواهد بود.

در روایات فراوانی بیان شده است:

«...مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱ هر که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلی خواهد مرد.»

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

«...إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ؛ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْ تَأَخَّرَ... فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي قُسْطَاطِ الْقَائِمِ علیه السلام»^۲ امام خویش را بشناس، پس وقتی او را شناختی پیش افتادن و یا تأخیر این امر [ظهور] آسیبی به تو نخواهد رساند... پس هر آن کس که امام خویش را شناخت، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد.»

اگرچه حضرتش در پس پرده غیبت است، ولی هرگز جمال وجودش برای انسانهای مهدی صفت پنهان نبوده است.

اگر معرفت به آن حضرت نباشد

دیدن ظاهری ایشان نیز سودی دربر نخواهد داشت. کم نبودند کسانی که همواره جمال دلنشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲،

ص ۴۰۹.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۳۱.

۳. اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۷۱.

آن بزرگوار به دیدنش خواهد رفت؛ چنان که در طول همه سالهای غیبت چنین بوده است.

امام صادق علیه السلام در کمال تأکید، شیعیان را به شناخت خداوند، پیامبر و حجت‌های الهی فرخوانده، از جمله دعاهای دوران غیبت را اینگونه توصیه فرموده است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفَنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفَنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفَنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^۱

بارالها! خود را به من بشناسان که اگر خودت را به من معرفی نکنی پیامبرت را نشناسم. بارالها! پیامبرت را به من معرفی کن که اگر پیامبرت را به من معرفی نکنی حجتت را نشناسم، بارالها حجتت را به من معرفی کن که اگر حجتت را به من معرفی نکنی از دین خود گمراه شوم.»

این دعا علاوه بر امام صادق علیه السلام از نواب اربعه نیز نقل شده که احتمال دارد ایشان از خود حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده باشند.^۲

۳. اطاعت محض از خداوند و

اولیای او

پس از شناخت خداوند و امام زمان علیه السلام و اعتقاد به آنان باید این شناخت و اعتقاد را عملی کرد و تبلور حقیقی آن در اطاعت محض از آن انوار پاک است.

همسو کردن رفتارها، نیتهای و جهت‌گیریها طبق خواست رهبر الهی از مهم‌ترین ویژگیهای رهروی راستین است و این صفت به خوبی در یاران امام مهدی علیه السلام وجود دارد.

شایان توجه اینکه اگر کسی در مرحله شناخت، در حد ممکن معرفت کسب نمود، در مرحله اطاعت دچار تردید نخواهد شد؛ حال آنکه اگر کسی در آن مرحله دچار تردید و یا نقصان معرفتی شد، در مرحله اطاعت هرگز پیرو خوبی نخواهد بود.

در قرآن کریم اطاعت از امام، همسنگ اطاعت از خداوند و پیامبر او

۱. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲؛ غیبت نعمانی، ص ۱۶۶.

۲. ر.ک: کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲.

۴. احترام خالصانه

از آنجایی که امام حقی بزرگ برگردن پیروان دارد، خداوند متعال احترام او را بر مردمان لازم فرموده است. از اینرو هرآنچه مایه بزرگداشت او می شود از سوی یاران آن حضرت انجام می گیرد. ایشان این روحیه را در زمان غیبت در خود ایجاد نموده اند تا در زمان ظهور نیز همواره در تمامی امور، احترام آن حضرت را پاس دارند. ائمه معصومین علیهم السلام که معلم انسانهایند، هرگز از این مهم غفلت نکرده و عظمت شأن آخرین معصوم علیه السلام، آنها را به تکریم و احترامی مثال زدنی واداشته است.

وقتی «دعبل خزاعی» قصیده‌ای غراء برای امام علی بن موسی الرضا علیه السلام خواند - که در ابیاتی از آن به حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده بود - حضرتش به احترام ذکر نام مقدس ایشان، متواضعانه برخاسته، دست بر سر نهاد و برای فرج قائم آل

شمرده شده است؛ آنجا که خداوند می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ «از خداوند و رسول و صاحب امرتان اطاعت کنید.»

اگر چه امروزه حضرت مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت است، اما اراده و فرمانش را باید گردن نهاد؛ چرا که اگر کسی اکنون از دستورات آن حضرت اطاعت کرد در زمان ظهور نیز چنین خواهد بود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَتَّبِعُهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَيَتَوَلَّى الْأَيْمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَذَوُو وُدِّي وَمَسْوَدَتِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ»^۲

خوشا به حال کسی که، قائم اهل بیت را درک کند؛ حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد. با دوست او دوست و با دشمن او دشمن [و مخالف] و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست باشد. اینان همنشین و دوستان من و گرامی ترین امت من در نزد من هستند.»

۱. نساء/۵۹.

۲. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۵۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶.

حضرتش را به این لقب یاد کند نگاه محبت‌آمیز می‌کند. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی در مقابل صاحب عصر خود هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد، پس باید برخیزد و تعجیل در فرج امر مولایش را از خداوند مسئلت نماید.^۲

علاوه بر حکمت یاد شده، آمادگی افراد در هر آن، برای قیام، و مبارزه و جهاد در راه تحکیم عدالت اجتماعی، و حفظ حقوق انسانها واجد اهمیتی بسزاست.

انسان منتظر که زمینه‌ساز ظهور در عصر غیبت است، باید همواره دارای چنین هدفی باشد و در راه تحقق آن به گونه‌های مختلف بکوشد و تا آنجا این آمادگی را داشته باشد و ابراز دارد، که هرگاه نام پیشوای قیام (قائم) ذکر می‌شود به پاخیزد و آمادگی همه جانبه خویش را نشان دهد و این آمادگی را همیشه به خود و دیگران

۱. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۶۴۰.

ح ۳.

۲. پیشین، ح ۴.

محمد ﷺ دعا فرمود. راوی این عمل ارزشمند امام رضا علیه السلام را این گونه وصف کرده است:

«فَوَضَعَ الرَّضَاءُ عليه السلام يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَتَوَاضَعَ فَأَيْمًا وَدَعَى لَهُ بِالْفَرَجِ؛^۱ حضرت رضا علیه السلام دست خود را بر سرش قرار داد و در حالی که ایستاده بود تواضع کرد و برای فرج او [امام زمان علیه السلام] دعا کرد.»

به راستی کسی که از احترام اندکی به صورت برخاستن هنگام شنیدن نام آن حضرت کوتاهی می‌کند، چگونه می‌تواند در عصر ظهور به تکریم آن حضرت بپردازد و از جان خود بگذرد!؟

مناسب است درباره احترام به آن حضرت بیشتر بخوانیم.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «چرا به هنگام شنیدن نام «قائم» لازم است برخیزیم!» آن حضرت فرمود: «آن حضرت، غیبت طولانی دارد و این لقب یادآور دولت حقّه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست و لذا آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد به هر کس که

تلقین و تحکیم کند.^۱

۵. انتظار راستین

انتظار راستین که اساس شخصیت یاران امام مهدی را شکل می‌دهد، پیشینه‌ای بس دراز و طولانی در تاریخ شیعه دارد.

آخرین فرستاده الهی بانگ برآورده و انسانها را به روزگاری سراسر نور نوید داده و فرموده است:

«لَا تَذْمَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَّ أُمَّتِي رَجُلٌ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ؛^۲ دنیا به پایان
نرسد مگر اینکه امت مرا مردی از اهل
بیت من رهبری کند که به او مهدی گفته
می‌شود.»

و اکنون قرن‌ها از آن بانگ ملکوتی می‌گذرد، ولی همچنان طنین دلنشین و امیدبخش آن در گوش انسانهاست. و این بشارت بزرگ زندگی مردمان را در عصر بلند انتظار با تاریخی روشن از نموده‌ها و جلوه‌های فکری و عملی روز به روز به آن دروازه روشنایی نزدیک‌تر می‌سازد.

و آنچه در این رهیافت از ارزشی بس بلند برخوردار است زمینه‌سازی برای ایجاد آن حکومت موعود است؛

اگرچه زمان برپایی آن از اسرار الهی و تنها در حیطة اراده خداوند است. انتظار به معنای چشم به راه بودن و درنگ کردن به امید پیشامدی خاص و به بیان دیگر کیفیتی است روحی که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی برای آنچه انتظار دارند می‌شود؛ و ضد آن یأس و ناامیدی است.

این اندیشه در فرهنگ مهدویت بیش از هرچیز، مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه‌ها و فرضیه‌ها فوق العاده تاریک و ظلمانی است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی، «انتظار فرج» خوانده شده و از جمله عبادات، بلکه برترین آنها شمرده شده است.

پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام

۱. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۶۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۴، ح ۳.

خوانندگان محترم رابه کلمه «اعمال» یسعنی «کارها» در روایت جلب می‌نماییم که آن حضرت، انتظار را عمل و کار دانسته است و نه سکون و بی‌کاری. این فرمایش پیامبر اکرم ﷺ را تا حدودی امام صادق علیه السلام تبیین فرموده است:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَ كَانٍ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ»^۱ هر کس که خوشحال می‌شود که از یاران قائم علیه السلام باشد باید منتظر باشد و با پرهیزگاری و اخلاق نیکو عمل نماید و با چنین حالی منتظر باشد که هرگاه بمیرد و پس از مردنش قائم علیه السلام به پاخیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد، پس بکوشید و منتظر باشید. گوارایتان باد ای گروه رحمت شده!

۶. آمادگی برای خدمت به حضرت

مهدی علیه السلام

آنان که وجودشان سرشار از عشق

بر انتظار آن روز موعود، و لحظه شماری در فرارسیدن آن حکومت حقه - که تنها به دست آن حضرت تشکیل می‌گردد - تأکید فراوانی نموده و آن را از اصول اساسی دینداری شمرده‌اند و پاداشهای بزرگی برای منتظران بیان فرموده‌اند.

از همین رو، علمای بزرگ، انتظار ظهور منجی را یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت و عنصری اساسی در زمینه‌سازی و حفظ روحیه مناسب برای درک زمان ظهور ذکر کرده‌اند. و همواره مؤمنان را به رعایت این وظیفه خطیر باگفتار و کردار و امی داشتند.

در باب انتظار فرج و ارج و اهمیت آن احادیث فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم السلام روایت شده است.

رسول گرامی اسلام ﷺ در این

باره فرموده است:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۱ برترین کارهای امت من انتظار فرج از خدای عزیز و جلیل است.»

بدون هیچ توضیحی توجه

۱. همان.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰، ج ۱۶.

حضرت مهدی علیه السلام باید تمامی لحظه‌های زندگی خود را سرشار از خدمت به او و راه و هدفش سپری نماید.

۷. خودسازی و دیگرسازی

یکی از ویژگیهای یاران امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت خودسازی و مواظبت بر رفتار خویش است که در پی آن، جامعه و دیگران نیز به این جهت متمایل خواهند شد.

شکی نیست که دینداری در عصر غیبت حضرت مهدی علیه السلام از هر زمانی دیگر بسی مشکل‌تر و طاقت‌فرساتر است.

حضرت امام صادق علیه السلام سختی این دوران را این گونه تصویر نموده‌اند:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةَ الْقَتْمَسْكَ فِيهَا بَدِينُهُ كَالْحَارِطِ لِلْقَتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بَدِينُهُ فَأَيُّكُمْ يَمْسُكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بَدِينِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلْبَا ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدُهُ وَلْيَمْسُكْ بَدِينِهِ؛^۲ صاحب این امر، غیبتی دارد که در آن هر کس از دین

خداوند و اولیای اوست، اگر عصر ظهور را درک کنند بزرگ‌ترین افتخارشان خدمت به ساحت بلند مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود.

شاید باور کردن این سخن بسی مشکل نماید که رئیس مذهب شیعه، همو که هزاران دانشمند، زانوی ادب و دانشجویی در محضر کلامش بر زمین می‌نهادند و همو که شاگردان مکتبش عقابان تیز پرواز آسمان اندیشه و علم بودند، آنگاه که نام آخرین ذخیره الهی نزدش برده می‌شد با حسرتی برآمده از عمق جان و آرزویی بی‌مانند آهی از نهاد برمی‌آورد و می‌فرمود:

«أَوَأَذْرَكُنَّهٗ لِحَدِيثِهِ أَيَّامَ حَيَاتِي؛^۱ اگر او را درک کنم تمام روزهای زندگانی‌ام خدمتگزار او خواهم بود.»

هر کس بخواهد در آن روزگار به خدمت حضرتش نصیب گردد باید هم اکنون در دوران غیبت، خدمت به آن حضرت و یاران او را سرلوحه کارهای خود قرار دهد.

بی‌تردید خادمان دوران ظهور، همان خادمان دوران غیبتند.

پس منتظر راستین و علاقه‌مند به

۱. پیشین، ص ۲۴۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۳۵.

خود دست بر ندارد همانند کسی است که با کشیدن دست خود به ساقه قتاد [که بوته‌ای تیغدار است] خارهای آن را بسترد، پس کدام یک از شما با دست خود تیغهای قتاد را نگه می‌دارد؟»

سپس آن حضرت مدتی سر به زیر افکنده فرمود: صاحب این امر دارای غیبتی است؛ پس بنده خدا باید پرهیزگاری و تقوا پیشه کند و به دین خود تمسک جوید.»

اگرچه آزمایشهای دینی برای همه ایمان آورندگان در همه زمانها، قانون الهی است؛ اما در عصر غیبت تمامی عوامل دست به دست هم داده این آزمایش را به کمال خود رسانده است. در این دوران است که نگهداشت دین، بسیار دشوار است و بیشترین مردم به انگیزه‌های گوناگون ایمان خویش را در زندگی از دست می‌دهند.

گسترش زمینه‌های ناباوری، افزایش انگیزه‌های انحراف و گریز از دین، ستیزه جوییهای دشمنان با دینداران و دینداری، از مهم‌ترین عوامل این آزمایش است. آنان که در این گردابهای ترسناک، دین خود را حفظ کنند از شأن و رتبه‌ای بس رفیع

برخوردار خواهند بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَا عَلِيُّ وَعَلِمَ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحَجَبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةَ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ؛^۱ ای علی! بدان که شگفت‌انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم‌ترین آنها از روی یقین، مردمی‌اند که در آخرالزمان خواهند بود؛ پیامبر را ندیده‌اند و حجت (امام علیه السلام) نیز از آنان محجوب است، اما به سیاهی که بر سفیدی رقم خورده است ایمان آورده‌اند.»

انسان در این دوران برخلاف دوران معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله، از تمامی دریافتهای حسی نسبت به پیامبر و امام علیه السلام دور است و تنها بر اساس درک عقلی و تاریخی، پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم را می‌شناسد و به رسالت و امامت ایشان ایمان می‌آورد.

امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:
«يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ عَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُتَنَفِّرِينَ لِشُهْرِهِ أَنْشَلُ مِنْ أَهْلِ كَمَلٍ»

۱. غیبت نعمانی، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۸

فرمود: «به زودی پس از شما، کسانی می آیند که یک نفر از آنان پاداش پنجاه نفر از شما را دارد.» گفتند: «ای رسول خدا، ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما جهاد کردیم و درباره ما آیه قرآن نازل شده است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر آنچه از آزارها و رنجها که بر آنان می رسد، بر شما آید، بسان آنان شکیبایی نخواهید داشت.^۲»

پایداری بر دین در روزگار غیبت به تحمل سختیها، محرومیتها و تنگناهای مادی خلاصه نمی شود؛ بلکه تحمل فشارهای سخت روحی و معنوی نیز، بر آنها افزوده می گردد. و چنانچه دینداری با صبر و شکیبایی درست و آگاهانه توأم نباشد به تدریج ناامیدیها روی می آورد و باور را از روح و فکر برمی دارد.

بنابراین منتظر راستین باید که زمینه ساز صادق ظهور باشد و اگر چنین بود، داشتن ویژگیهای فوق پاره‌ای از خصوصیات او خواهد بود.

زَمَانٍ لَّانَ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ اَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْاَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذٰلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَي رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّنِيْفِ، اُولٰٓئِكَ الْمَخْلُصُوْنَ وَشِيعَتُنَا صِدْقًا، وَالدُّعَاةُ اِلَى دِيْنِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا؛ اِی اباخالد، مردم زمان غیبت آن امام که به امامت او معتقدند و منتظر ظهور اویند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خدای متعال عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدان پیش روی رسول خدا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که با شمشیر به جهاد برخاستند قرار داده است. آنان مخلصان [حقیقی] و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای متعال در نهان و آشکارند.»

موفقیت در این آزمایش، نیازمند بینشی است که انسان دیندار در پرتو آن بتواند در برابر تحریفها و شبهه‌ها و تردیدها رویکرد دینی خود را حفظ نماید و با هیچ یک از عوامل انحراف، خلوص دینی و دینداری رادر فکر و عمل از دست ندهد.

اگر چنین شد، مصداق این فرمایش رسول گرامی اسلام صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواهد بود که

۱. پیشین، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. کتاب الغیبه، ص ۴۵۶.